



دوسال با پزشکian؛

اشتغال بی جان و تورم سرکش

گزارش مرکز آمار ایران از بازار کار سال ۱۴۰۴ در نگاه نخست حاوی خبری امیدوارکننده است؛ نرخ بیکاری کشور کاهش یافته و به پایین ترین سطح خود در سال های اخیر رسیده است؛ اما کاهش همزمان نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال و افزایش جمعیت غیرفعال، این پرسش را مطرح می کند که آیا افت نرخ بیکاری حاصل رونق بازار کار است یا نتیجه کوچک تر شدن آن؟

۴



راهبردی که نباید در مذاکره نادیده گرفته شود؛
عبور آزادانه و عادی کشتی ها باید از کریدور ایرانی باشد

زنگ خطر در تنگه هرمز

۷



خطر تبدیل «تعليق موقت» صحن به «تعطیلی نامعلوم»

۳

حزب الله؛ همچنان قدرت اول لبنان

۶



پروژه اسرائیل برای بلعیدن جغرافیای منطقه

علیرضا خوشبخت
روزنامه نگار

صفحه ۲

سیاسی



مسئولان خاخی عذرخواهی کنند

بیش از دو هزار استاد دانشگاه و حوزه در سراسر کشور، در بیانیه ای خطاب به «مردم شریف و مقاوم ایران»، نکاتی انتقادی را درباره تفاهم نامه و مذاکرات جاری، مطرح کردند. نویسندگان بیانیه با اشاره به اقتدار ایران و ضعف آمریکا در جنگ اخیر نوشتند.

صفحه ۳

سیاسی



هرمز؛ برگ برنده ای که می سوزد

افزایش قیمت جهانی نفت و بیم از اختلال در انتقال انرژی، آمریکا را در یکی از دشوارترین موقعیت های خود طی سال های اخیر قرار داد. اما این برگ برنده، بیش از آنکه به امتیازهای ملموس سیاسی و امنیتی تبدیل شود، در روند مذاکرات از دست رفت.

رژیم صهیونیستی برای تثبیت جایگاه خود، نه فقط به دنبال برتری نظامی، بلکه به دنبال تغییر ساختار قدرت در منطقه بوده است. ساختاری که در آن هیچ کشور بزرگ، مستقل و اثرگذاری نتواند به عنوان یک مانع راهبردی در برابر تل آویو ظاهر شود. این پروژه تنها به تضعیف قدرت های نظامی محدود نیست، بلکه مسئله جغرافیا، عمق سرزمینی و شکل دهی دوباره به نقشه سیاسی منطقه نیز در آن اهمیت دارد.

متن کامل در صفحه ۶

بیش از ۲۰۰۰ استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به تخلف از نظرات صریح رهبر انقلاب در فرایند مذاکرات خواستار شدند

مسئولان خاطی عذرخواهی کنند

درک نشده است و این امر خود را در تصمیم‌گیری اعضای شورای عالی امنیت ملی و تیم مذاکره‌کننده در خصوص تفاهم‌نامه نشان داد». اساتید امضاکننده بیانیه، با اشاره به «تخلف از نظرات صریح مقام معظم رهبری در فرایند مذاکرات»، از «مسئولان خاطی، عذرخواهی در پیشگاه رهبری و ملت را خواستار شدند.

بیش از دو هزار استاد دانشگاه و حوزه در سراسر کشور، با نگارش و امضای بیانیه‌ای خطاب به «مردم شریف و مقاوم ایران»، نکاتی انتقادی را درباره تفاهم‌نامه و مذاکرات جاری، مطرح کردند. نویسندگان بیانیه با اشاره به اقتدار ایران و ضعف آمریکا در جنگ اخیر نوشتند: «متأسفانه عمق تحول و توازن قدرت، به درستی توسط برخی مسئولان و نخبگان



مقاوم بود؛

۵. ماضمن درخواست از مسئولان خاطی جهت عذرخواهی در پیشگاه رهبری و ملت، به پیروی از مقام معظم رهبری «منتظر تحقق شروط» هستیم. در همین زمینه، با توجه به این که طبق صریح بند ۱۳ تفاهم‌نامه، شروع مذاکرات در خصوص توافق نهایی، منوط به اجرای برخی بندها شده است، از تیم مذاکره‌کننده و شخص جناب دکتر قالیباف مجدانه می‌خواهیم، پیش از اجرای کامل مضموس بندهای ۱، ۴، ۱۰ و ۱۱ از سوی دولت آمریکا، از هرگونه نشست و مذاکره جدید خودداری کنند تا مشروعیت اقدامات تیم مذاکره‌کننده، بیشتر زیر سؤال نرود؛

۶. پس از اجرای کامل بندهای فوق توسط آمریکا، انجام مذاکرات بعدی، طبق فرموده مقام معظم رهبری، «به معنای پذیرش نظر دشمن نخواهد بود»؛ بنابراین، در صورت شکل‌گیری مذاکرات، تیم مذاکره‌کننده برای مشروعیت و الزامی شدن اقدامات خود، موظف است برخلاف تجربیات تلخ گذشته، نظرات رهبری را به طور دقیق و کامل، ملاک عمل قرار دهد و به هیچ وجه از چارچوب‌های مورد نظر معظم له خارج نشود؛

۷. در پایان، اعلام می‌داریم که ملت سلحشور و عاشورایی ایران، ضمن حفظ وحدت و انسجام ملی، بر صراط مستقیم خمینی‌کبیر و خامنه‌ای شهید ایستاده‌اند و عدول از فرامین ولی فقیه و نائب‌الامام راتحمل نخواهند کرد و هرگونه نافرمانی، با سد مستحکم مقاومت مردمی مواجه خواهد شد.

کنار رصد برخی گزارش‌ها، بیانگر آن است که ذهنیت برخی مسئولان تصمیم‌گیر در مذاکرات منتهی به امضای تفاهم‌نامه، مبتنی بر انگاره‌هایی چون «عدم تاب‌آوری مردم در صورت تداوم جنگ»، «بیشتر بودن هزینه مقاومت از هزینه سازش»، «لزوم اعطای امتیازهای مهم به دشمنان» و «اعتماد به دشمن برای تحقق تعهدات» بوده است؛ اموری که با واقعیت‌های میدانی انطباق ندارد؛

۳. نقد تفاهم‌نامه به معنای نادیده گرفتن برخی منافع حاصله از آن برای ایران نیست، بلکه مسئله اساسی، «منطق مذاکره» است. جمهوری اسلامی در موضع پیروز و آمریکا در موضع استیصال قرار داشت؛ لذا در چنین شرایطی، اعطای هرگونه امتیاز راهبردی که منجر به بازسازی قوای دشمن و تضعیف توان بازدارندگی ایران شود، خطایی راهبردی است. نباید اجازه داد دشمن شکست خورده، از طریق میز مذاکره، ضعف‌های خود را جبران و زمینه را برای تعرضات آتی فراهم کند؛

۴. از منظر شرع و قانون اساسی کشور، فصل الخطاب در سیاست‌های کلان، دیدگاه ولی فقیه است. متأسفانه گزارش‌ها حاکی از تخلف از نظرات صریح مقام معظم رهبری در فرایند مذاکرات است. مسأله، نه صرفاً اختلاف نظر اولیه با رهبری، بلکه اصرار بر دیدگاه‌های شخصی در مقابل ولی فقیه و تحمیل آن‌ها بر نظام است. آنچه موضوع را تلخ‌تر می‌کند، انتساب تصمیمات و تفاهم‌نامه به مقام معظم رهبری برای جلوگیری از نقد دلسوزانه نخبگان و مردم

متن کامل بیانیه به شرح ذیل است:

مردم شریف و مقاوم ایران
ما جمعی از اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه کشور، ضمن تشکر از تلاش‌های اعضای شورای عالی امنیت ملی و تیم مذاکره‌کننده، بر اساس وظیفه شرعی و نخبگانی خود، لازم می‌دانیم باختصار نکاتی را درباره تفاهم‌نامه و مذاکرات، متذکر شویم:
۱. بررسی تاریخی تحولات ایران از دوران قاجار تا کنون نشان می‌دهد که ریشه اصلی عقب‌ماندگی‌ها، نه کمبود امکانات، بلکه «عدم شناخت ظرفیت‌های عظیم ملی»، «بی‌اعتمادی به توان داخلی»، «رویکرد پیشرفت برون‌زا»، «انکاب به کشورهای غربی» و «عدم مقاومت در مقابل استعمارگران» بود. انقلاب اسلامی با رویکرد استقلال، تکیه بر توانمندی‌های درونی و استعمارستیزی، در تضاد با گفتمان وابستگی شکل گرفت. در طول نزدیک به نیم قرن از حیات جمهوری اسلامی، تقابل دو گفتمان با فراز و نشیب‌هایی همراه بود که می‌توان نتایج غلبه هر گفتمان را در پیشرفت واقعی یا عقب‌ماندگی کشور، منصفانه قضاوت کرد؛
۲. جنگ اخیر، به وضوح «ظرفیت‌های بالا و اقتدار جمهوری اسلامی» و «ضعف و افول هژمونی دولت مستکبر آمریکا» را به اثبات رسانید. با وجود این، متأسفانه عمق تحول و توازن قدرت، به درستی توسط برخی مسئولان و نخبگان درک نشده است و این امر خود را در تصمیم‌گیری اعضای شورای عالی امنیت ملی و تیم مذاکره‌کننده در خصوص تفاهم‌نامه نشان داد. دلالت‌های ضمنی پیام‌های مقام معظم رهبری، در

خبر کوتاه

نبویان: فقط یک نفر نظر رهبری را به درستی تشخیص داد

حجت‌الاسلام نبویان نماینده مردم تهران در مجلس گفت: چرا آقا فرمود که «علی‌الاصول نظر دیگری دارم»؟ چون رهبر انقلاب به دنبال تحقق منافع ملت و مقاومت بودند و این منافع با متن حاضر تأمین نمی‌شود. لذا رهبری فرمودند که آن ۱۲ مسئولی که نسبت به مفاد تفاهم‌نامه رای مثبت داشتند، آمدند و به من تعهد دادند. وی افزود: از ۱۳ عضو جلسه شورای عالی امنیت ملی، فقط یک نفر رای مثبت نداد. فقط آن یک نفر بود که به درستی تشخیص داد که نظرولی جامعه و نائب امام زمان (عج) چه بوده است. آن یک نفر، دکتر جلیلی بود. نبویان خاطر نشان کرد: آن ۱۲ نفر دیگر که رای منفی داده بودند، نتوانستند نظر رهبری را تأمین کنند، چرا که آقا فرمودند که نظر دیگری داشته‌ام و آن ۱۲ نفر آمدند و تعهد دادند و مسئولیت این موضوع را پذیرفتند؛ رهبری دیگر چگونه بگوید که مخالف بوده است؟ آن‌هایی که ادعای ولایت‌مداری دارند توجه کنند، فرمان را برگردانید! چرا نسبت به این تفاهم تجدید نظر نمی‌کنید؟

سلیمی: توافق باید به تصویب مجلس برسد

حجت‌الاسلام سلیمی عضو هیأت رئیسه مجلس اظهار داشت: تفاهم روسای جمهور ایران و آمریکا در صورت تبدیل به توافق باید به تصویب مجلس برسد زیرا نمایندگان عصاره ملت هستند و توانایی ویژه‌ای دارند. ما پیش از این قانون اقدام راهبردی را داشتیم و نسبت این تفاهمات و توافقات باید با این قانون به عنوان قانون مجلس مشخص باشد چرا که این قانون کشور را از بن بست خارج کرد. وی افزود: قانون اقدام راهبردی روی میز ما و تصمیم نهایی درباره هر توافقی باید بر اساس آن باشد. هیچ کجا نمی‌تواند جای مجلس را بگیرد مگر اینکه حکم ولی فقیه باشد. ما با ده‌ها دوربین و ده‌ها چشم متن توافق را نگاه خواهیم کردیم

خضریان: در تفاهم‌نامه از غرامت ملت ایران گذشتیم

علی خضریان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در برنامه تلویزیونی شبیه گفت: کسانی که در یک جهان موازی زندگی می‌کنند، با افتخار می‌آیند تیت‌هرم می‌زنند و شورای اطلاع‌رسانی دولت هم این موضوع را پوشش می‌دهد که آمریکایی‌ها می‌خواهند ۳۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کنند. اما نمی‌گویند که در تفاهم‌نامه از غرامت ملت ایران گذشتیم. وی افزود: کسانی که می‌گویند این صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری همان غرامت است، هر وقت نتوانستند این پول را بگیرند، بیانید اعلام کنند. آمریکا ۳۰۰ میلیارد که هیچ همان پول‌های بلوکه شده ایران را هم نمی‌پردازد.

رسایی: انتشار جزئیات مذاکرات مطالبه افکار عمومی است

حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سخنان اخیر حامد کاشانی که به مطالبه انتشار محتوای مذاکرات نقد وارد کرده بود، نوشت: اولاً/ در برجام که مثل الان مذاکره با نظام سلطه درباره مسأله هسته‌ای بود، انتشار محتوای مذاکرات امر رهبری بود، پس سابقه دارد. ثانیاً/ رهبر شهید انقلاب، هرگز به مذاکره با آمریکا خوش بین نبودند بل بدبین هم بودند. در برخی دولت‌ها، خطوط قرمزشان را علنی و در برخی دولت‌ها این موضوع را به افکار عمومی نکشاندند. چرا؟ پاسخ روشن است: امام شهید در دولت‌هایی که دچار انفعال بودند با تعیین و اعلام عمومی خطوط قرمز، افکار عمومی را حساس و پیگیر حفاظت از شروط می‌کردند و در برخی دولت‌ها به دلیل پابندی رئیس دولت به رعایت خطوط قرمز و بدبینی نسبت به دشمن، نیازی به این کار نمی‌دیدند. اکنون نیز وقتی خطوط قرمز علنی شده و علی‌الاصول، رهبری نظر دیگری دارند، مطالبه انتشار مذاکرات و تطبیق آن با خطوط قرمز مطالبه افکار عمومی است.



گفتمان

ضرورت قصاص قاتل امام شهید



حجت‌الاسلام قنبریان، استاد حوزه و دانشگاه در برنامه «خیابان انقلاب» گفت: تا بحث قصاص پیش می‌آید ساده انگاری می‌شود و می‌گویند قصاص برای دیروز بوده و رو به آینده صحبت کنیم! در صورتی که قصاص مسئله‌ای امروز و فردا است. در ژنو تهدید می‌کنند اگر توافق نکنید به کشورتان بر نمی‌گردید خب این مسئله‌ای دیروز بود یا امروز و فردا؟

وی در بخش دیگری از سخنان‌ش گفت: در سال ۹۸ وقتی سپاه پاسداران را گروه تروریستی اعلام کردند ما هم طبق یک اقدام متقابل قانون وضع کردیم و سנתکام را ترویست معرفی کردیم. در این قانون آمده است وزارت خارجه با همکاری سایر دستگاه‌ها موظف است از ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی برای تعطیلی پایگاه‌های آمریکایی در منطقه تلاش کند. به

گفته حجت‌الاسلام قنبریان، همه‌ی اینها قبل از وعده صادق و جنگ ۱۲ روزه بوده است. اما ما هنوز حتی بعد از جنگ رمضان داریم با شما سراین مسئله بحث می‌کنیم. وی افزود: اصلاً از این که در تفاهم بیاید که آنها جنایت کار هستند و باید جواب پس بدهند گذشتیم؛ حداقل جوری در متن تفاهم بنویسید که مسئله‌ی قصاص برای ما بسته نشود حجت‌الاسلام قنبریان تصریح کرد: این خط و این نشان؛ آنها دوباره به ما حمله می‌کنند در صورتی که ما تعهد کرده‌ایم عملیاتی علیه آنها انجام ندهیم.

خبر کوتاه

علم الهدی: خانواده، مستحکم ترین سد در برابر فمینیسم است

دکتر جمیله سادات علم الهدی، استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی در همایش «رهروان زینبی» که با حضور خانواده‌های معظم شهدا و بانوان برگزار شد، حضور بانوان عقیف در میدان دفاع از کشور در خیابان‌ها را «بعثتی تازه» و «رستاخیزی ارزشمند» خواند که دشمن را به چالش جدی کشانده است و مهم‌ترین نقش رادر خنثی شدن توطئه‌های نظام استکباری در طول جنگ تحمیلی سوم ایفا کرده است. وی افزود: فمینیسم امروز به بن بست رسیده و توان ایجاد تحول و تأثیرگذاری در جوامع را از دست داده است. در مقابل، خانواده ایرانی به عنوان مستحکم‌ترین سد در برابر تهاجم فرهنگی و فمینیستی عمل می‌کند و این سرمایه ارزشمند انقلاب است که باید از آن صیانت شود. استاد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی با اشاره به نقش بی‌بدیل مادران در تربیت نسل انقلابی، افزود: نظام غربی تلاش دارد تا مادری را با برچسب‌هایی مانند بیهودگی و شکست از میدان به در کند اما این نهاد خانواده بود که فرزندان انقلابی ایرانی را ساخت. اگر امروز در خیابان‌ها توفیقی می‌بینید، نتیجه ایفای نقش مادری توسط زنان ایرانی است.

حماسه مردم خیابان ۱۲۰ شب شد

۱۲۰ شب از حضور مستمر مردم در خیابان‌ها و میادین می‌گذرد؛ حضوری که در حمایت از انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن استمرار یافته است. مردم با در دست داشتن پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، پرچم‌های خونخواهی امام شهید و تصاویر رهبر معظم انقلاب، بار دیگر برپایبندی خود به مسیر انقلاب و آرمان‌های شهدا تأکید کردند.

سامانه‌های پدافندی دائماً درحال تحول هستند

امیر خوش‌قلب جانشین نیروی پدافند هوایی ارتش با رد ادعای رسانه‌های معاند درباره ناپودی سامانه‌های پدافندی، گفت: با اتکا به ظرفیت‌های نیروهای مسلح، امروز شاهد جهش و تحولات مداوم در سامانه‌های پدافندی هستیم. وی برگزاری منظم برنامه‌های مختلف در سراسر کشور، هم‌زمان با امنیت کامل مرزهای آبی و خاکی و نبود هرگونه پرنده متخاصم در آسمان ایران، گویای پویایی، هوشمندی و آمادگی کامل شبکه یکپارچه پدافند هوایی در قالب یک مجموعه توانمند و زنده است. وی با تأکید بر اینکه، هیچ مشکل خاصی در این حوزه وجود ندارد، این شایعات را فضا سازی رسانه‌ای دشمن دانست و با اشاره به روند مستمر به روزرسانی سامانه‌ها عنوان کرد: به کارگیری تجهیزات نوین، کارآمد و مؤثر در صحنه رزم و مدیریت نبرد هوایی، یک فرایند روزمره و دائمی در نیروی پدافند هوایی است. جانشین نیروی پدافند هوایی ارتش با اشاره به آسیب‌دیدگی بخشی از تجهیزات در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم، تصریح کرد: با اتکا به ظرفیت‌های علمی، صنعتی و دانش بنیان در نیروی پدافند هوایی، وزارت دفاع و مجموعه نیروهای مسلح، امروز شاهد جهش‌ها و تحولات مداوم در سامانه‌های پدافندی هستیم.

زیباکلام مجرم شناخته شد

سخنگوی هیات منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی با بیان اینکه اتهامات صادق زیبا کلام نشر مطالب خلاف واقع و اکاذیب موضوع اعلام جرم دادستان عمومی و انقلاب تهران بود، گفت: اعضای هیات منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی، صادق زیبا کلام را مجرم دانست اما مدیران عامل خبرگزاری‌های آنا و تابناک را در اتهام انتشار مطالب خلاف واقع، مجرم ندانست.

خطر تبدیل «تعلیق موقت» صحن به «تعطیلی نامعلوم»

ما با صراحتی بی‌پدیل در اصل ۶۳ تأکید دارد که کشور «حتی یک روز» نباید بدون مجلس بماند و در اصل ۶۸ متذکر می‌شود که حتی در زمان «اشغال نظامی کشور و جنگ» نیز این نهاد تعطیل بردار نیست.

نجابت خاطر نشان کرد: آیا باز یا بسته بودن صحن مجلس را باید به تهدیدهای امنیتی گره زد؟ آیا صحن مجلس باید تا روز نابودی کامل جبهه استکبار بسته بماند؟ اگر زمان بندی روشنی ارائه نشود، واژه موجه «تعلیق موقت»، به ترفندی برای



نیا رستان

روح‌الله نجابت، دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با انتقاد از ادامه تعطیلی صحن علنی مجلس اعلام کرد: بازگشایی مجلس صرفاً یک موضوع اداری نیست، بلکه قلب تپنده حکمرانی در جمهوری اسلامی است. قانون اساسی

خروجی مذاکرات اسلام‌آباد و تفاهم‌نامه پزشکیان ترامپ، از دست دادن اهرم مهم تنگه هرمز و مدیریت قیمت‌های جهانی بود

هرمز؛ برگ برنده‌ای که می‌سوزد

جنگ رمضان برای ایران تنها یک پیروزی در میدان نبرد نبود؛ مهم‌ترین دستاورد آن، تغییر موازنه در بازار انرژی و قرار گرفتن تنگه هرمز در گارنوی قدرت‌های غربی بود. افزایش قیمت جهانی نفت و بیم از اختلال در انتقال انرژی، آمریکا را در یکی از دشوارترین موقعیت‌های خود طی سال‌های اخیر قرار داد. اما این برگ برنده، پیش از آنکه به امتیازهای ملموس سیاسی و امنیتی تبدیل شود، در روند مذاکرات از دست رفت؛ نه تجاوزات متوقف شد، نه آتش‌بس لبنان تثبیت شد و نه مهم‌ترین اهرم فشار ایران حفظ گردید.

سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

نتیجه این روند کاملاً روشن بود. قیمت جهانی نفت که می‌توانست تا زمان تحقق مطالبات ایران در سطوح بالا باقی بماند، به تدریج کاهش یافت و شمشیر فشار انرژی از

بالای سر آمریکا کنار رفت. در حالی که واشنگتن برای پایین نگه داشتن قیمت نفت تلاش می‌کرد، ایران همان اهرمی را که با هزینه‌های سنگین در میدان به دست آورده بود، بدون اخذ امتیازهای متناظر از دست داد.

سؤال اساسی اینجاست که ایران در مقابل از دست دادن این برگ برنده چه به دست آورد؟ پاسخ روشن است: نه تجاوزات علیه ایران پایان یافت، نه آتش‌بس لبنان به ثبات رسید و نه رژیم صهیونیستی از ادامه اقدامات نظامی خود دست کشید. اگر قرار بود مهم‌ترین ابزار فشار ایران کنار گذاشته شود، دست کم انتظار می‌رفت در حوزه امنیت منطقه‌ای، دستاوردی متناسب با این عقب‌نشینی حاصل شود؛ اتفاقی که رخ نداد.

در همین چارچوب، موضوع تنگه هرمز نیز به یکی از نقاط ابهام‌آمیز تفاهمات اخیر تبدیل شده است. در روزهای جنگ، تنگه هرمز به مهم‌ترین عامل نگرانی آمریکا تبدیل شده بود، اما اکنون بحث بر سر ترتیبات جدیدی است که در آن نام عمان نیز به میان آمده است. این در حالی است که در ترسیم جایگاه راهبردی تنگه هرمز، رهبر معظم انقلاب هیچ‌گاه مدیریت این گذرگاه حیاتی را به عمان یا هیچ بازیگر دیگری گره نزده بودند و مدیریت آن را در چارچوب اقتدار جمهوری اسلامی تعریف کرده بودند. با این حال، در روند جدید، ناگهان نقش عمان به عنوان یکی از اضلاع ترتیبات جدید مطرح شد؛ موضوعی که پرسش‌های جدی درباره منشأ این تغییر ایجاد کرده است.

مشارکت کشورهای منطقه در بهره‌برداری اقتصادی از تنگه هرمز، یک بحث است؛ اما گره زدن ترتیبات مدیریتی این گذرگاه راهبردی به رضایت یا حضور دیگران، بحثی کاملاً متفاوت است. تنگه هرمز برای ایران یک مسئله صرفاً اقتصادی نیست؛ بخشی از امنیت ملی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی کشور است. هرگونه کم‌رنگ شدن نقش انحصاری ایران در مدیریت این گذرگاه، به معنای تضعیف همان مزیتی است که در جنگ رمضان با هزینه فراوان به دست آمد.

امروز مهم‌ترین نقد به روند مذاکرات، صرفاً متوجه متن تفاهم‌نامه نیست؛ بلکه متوجه نوع استفاده از سرمایه‌های راهبردی کشور است. هنر مذاکره آن است که برگ‌های برنده تا آخرین لحظه حفظ شوند و تنها در ازای دریافت امتیازهای قطعی و نقد کنار گذاشته شوند. اما آنچه رخ داد، دقیقاً عکس این قاعده بود؛ مهم‌ترین اهرم فشار ایران، پیش از آنکه به دستاوردهای ملموس تبدیل شود، از کار افتاد.

جنگ رمضان نشان داد که توان ایجاد اختلال در بازار جهانی انرژی همچنان یکی از مؤثرترین ابزارهای قدرت جمهوری اسلامی است. اما این ابزار زمانی ارزش خود را حفظ می‌کند که در میز مذاکره نیز همان اندازه جدی گرفته شود که در میدان نبرد گرفته شد. هدیه دادن برگ‌های برنده، نه تنها قدرت چانه‌زنی را افزایش نمی‌دهد، بلکه طرف مقابل را مطمئن می‌کند که می‌تواند بدون پرداخت هزینه، مهم‌ترین نگرانی‌های خود را برطرف کند.

پشت پرده تورم سازی با اعداد متناقض

رسانه «بامداد نو»، از حامیان دولت پزشکیان، نموداری منتشر کرده و با ترسیم شش سناریوی خیالی از وضعیت تورم در پایان سال ۱۴۰۵، مدعی شده است که در صورت حصول توافق خارجی، نرخ تورم به ۵۴ درصد کاهش می یابد. این گزارش در حالی بر طبل «توافق درمانی» می کوبد که در مبنای آماری خود دچار تناقضات آشکار است. طبق آمارهای مرکز آمار، در حال حاضر تورم ۸۸ درصد است، اما این رسانه آن را ۹۵ درصد در نظر گرفته و معتقد است در صورت توافق، تورم تقریباً نصف می شود. طبق شش سناریوی تیم تحقیق این رسانه اصلاح طلب، در صورت آتش بس موقت تورم ۱۰۳ درصد، در صورت جنگ ۹۳۰۳ درصد و در صورت ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح، تورم پایان سال ۹۲ درصد خواهد بود. پیش از این، در سال ۱۴۰۱ نیز ۶۱ اقتصاددان موافق مذاکره پیش بینی کرده بودند که در صورت عدم مذاکره و عدم اصلاح بنیادین در سیاست خارجی، تورم سه رقمی می شود. با این حال، در همان سال با سیاست های دولت سیزدهم، تورم ۵۳ درصدی روند نزولی گرفت و در پایان نیمه سال ۱۴۰۳ به ۳۲ درصد رسید. برخی رسانه ها با استفاده از طراحی سناریوهایی از تورم تلاش می کنند این گزاره را به افکار عمومی و حتی سیاست گذاران القا کنند که تنها راه مهار تورم، مذاکره و توافق خارجی است. این در حالی است که کارشناسان می گویند با توافق مسئله تورم حل نخواهد شد و باید سیاست های دولت اصلاح شود. سعید لیلزار، اقتصاددان، معتقد است: چه جنگ باشد چه نباشد، چه رابطه با آمریکا وجود داشته باشد چه نباشد، چه دشمنی با غرب باشد چه نباشد، چه درآمدهای ارزی افزایش پیدا کند چه نکند، ما در اقتصاد ایران با یک تورم ساختاری مواجه هستیم که شدت و کیفیت آن بسیار به سیاست های دولت بستگی دارد.

بازار ۲۰ میلیارد دلاری در انتظار اجرای آیین نامه

رئیس انجمن صنعت بانکدینگ ایران نسبت به از دست رفتن فرصت های کلیدی در بازار پررونق سوخت رسانی و خدمات کشتی ها هشدار داد. مصطفی کشکولی با اشاره به اینکه این صنعت یک بازار ۲۰ میلیارد دلاری را شامل می شود، تأکید کرد: ایران متأسفانه در حال حاضر سهم بسیار ناچیزی از این بازار جهانی دارد. او با اشاره به پیشینه قانونی این حوزه اظهار داشت: سوخت رسانی به کشتی ها و ارائه خدمات جانبی به آن ها از موضوعات تصریح شده در برنامه های توسعه بوده است. با وجود آنکه در ماده ۶۲ برنامه هفتم، تکلیف تدوین آیین نامه اجرایی مشخص شد و دولت نیز در فروردین سال گذشته آیین نامه مربوطه را مصوب و در اول اردیبهشت، با مهلت اجرای سه ماهه، ابلاغ کرد، اما با گذشت زمان این آیین نامه هنوز به مرحله اجرا درنیامده است. کشکولی با اشاره به وضعیت فعلی سهم ایران در منطقه گفت: در حال حاضر سهم ما از بازار سوخت در منطقه خلیج فارس و دریای عمان تنها ۵ درصد است و در زمینه ارائه خدمات جانبی به کشتی ها، سهم ما تقریباً صفر است؛ این در حالی است که پتانسیل های ما بسیار فراتر از این اعداد است.

گزارش مرکز آمار و بانک مرکزی نشان می دهد؛

دو سال با پزشکیان؛ اشتغال بی جان و تورم سرکش

گزارش مرکز آمار ایران از بازار کار سال ۱۴۰۴ در نگاه نخست حاوی خبری امیدوارکننده است؛ نرخ بیکاری کشور کاهش یافته و به پایین ترین سطح خود در سال های اخیر رسیده است؛ اما کاهش هم زمان نرخ مشارکت

آرمان صدایی
روزنامه نگار

هر بار که مراجع آماری گزارش جدیدی از وضعیت شاخص های اقتصادی منتشر می کنند، نقطه ضعف های جدیدی به کارنامه عملکرد دولت چهاردهم اضافه می شود. در جدیدترین مورد، روز گذشته مرکز آمار و بانک مرکزی با انتشار گزارش های بازار کار و تورم، از تداوم روند های منفی در این دو بخش حکایت کردند. اکنون عمده شاخص های اقتصادی، روایتی واحد از اقتصاد ایران ارائه می دهند؛ اقتصادی که پس از گذر از دهه ۹۰ (معروف به دهه سوخته) به آرامی در حال جان گرفتن بود، ناگهان به همان دوران بازگشته است؛ دورانی با تورم بالا، رشد منفی، رکود پایایی و البته کاهش اشتغال.

در کمترین دو سال فعالیت دولت چهاردهم، نفت تنها تورم تولیدکننده به ۵۱۰۱ درصد رسیده و تورم نقطه به نقطه مصرف کننده در خرداد از مرز ۸۰ درصد فراتر رفته، بلکه رشد اقتصادی نیز از ۳۰۱ درصد در پایان دولت سیزدهم، به منفی ۰۰۷ درصد در گزارش بانک مرکزی و ۰۰۲ درصد در گزارش مرکز آمار در سال گذشته رسیده است. در همین مدت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۱۱۰۹ درصد سقوط کرده و مصرف نهایی بخش خصوصی نیز ۱۰۴ درصد کاهش یافته است.

این ارقام و بسیاری دیگر، نشانه هایی روشن از فرسایش ظرفیت تولید، افت رفاه خانوار و تعمیق رکود تورمی هستند. در بازار کار نیز وضعیت بهتر نیست؛ تازه ترین گزارش مرکز آمار نشان می دهد نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۴ تنها ۰۰۱ واحد درصد کاهش یافته و به ۷۰۵ درصد رسیده است، اما این کاهش نه از مسیر ایجاد شغل، بلکه از طریق انتقال جمعیت فعال به جمعیت غیرفعال رخ داده است.

چرا نرخ بیکاری کم شد؟

گزارش جدید مرکز آمار ایران از بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر نشان می دهد نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۴ معادل ۷۰۵ درصد بوده که نسبت به سال ۱۴۰۳ (۷۰۶ درصد) ۰۰۱ واحد درصد کاهش یافته است. با این حال، کاهش نرخ بیکاری در سال گذشته از طریق شاغل شدن بیکاران اتفاق نیفتاده است. طبق اعلام مرکز آمار، در سال گذشته حدود ۸۱۰ هزار نفر به سن کار (۱۵ سال و بیشتر) اضافه شدند که تقریباً تمامی آن ها (۷۹۱ هزار نفر) به جمع افراد غیرفعال (نه شاغل و نه بیکار) افزوده شده اند؛ یعنی کاهش نرخ بیکاری نه از طریق ایجاد اشتغال، بلکه از طریق افزایش جمعیت غیرفعال رخ داده است. همچنین جمعیت شاغل در سال گذشته ۳۴ هزار نفر کاهش یافته است.

نرخ مشارکت اقتصادی، یعنی نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) به کل جمعیت در سن کار، از ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۳ به ۴۰۰۶ درصد در سال ۱۴۰۴ رسیده است. نسبت اشتغال نیز کاهش یافته است. این دوشاخ نشان می دهد سهم افرادی که در بازار کار حضور دارند و همچنین سهم افرادی که شاغل هستند، کمتر از سال گذشته شده است. به بیان ساده، اگر فردی ماه ها به دنبال شغل بگردد اما در نهایت به دلیل ناامیدی از یافتن کار، جست و جوی خود را متوقف کند، دیگر در آمار رسمی «بیکار» محسوب نمی شود؛ بلکه به جمعیت غیرفعال منتقل می شود. در نتیجه، حتی بدون ایجاد شغل جدید، نرخ بیکاری کاهش پیدا می کند.

جمعیت جوانان بیکار زیاد شدند

اگر نرخ بیکاری کل کشور به پایین ترین سطح سال های اخیر رسیده، وضعیت جوانان روایت متفاوتی را بیان می کند. طبق این گزارش، نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله در سال گذشته ۲۰۳ درصد بوده که نسبت به سال قبل (۱۴۰۳) ۰۰۲ واحد درصد

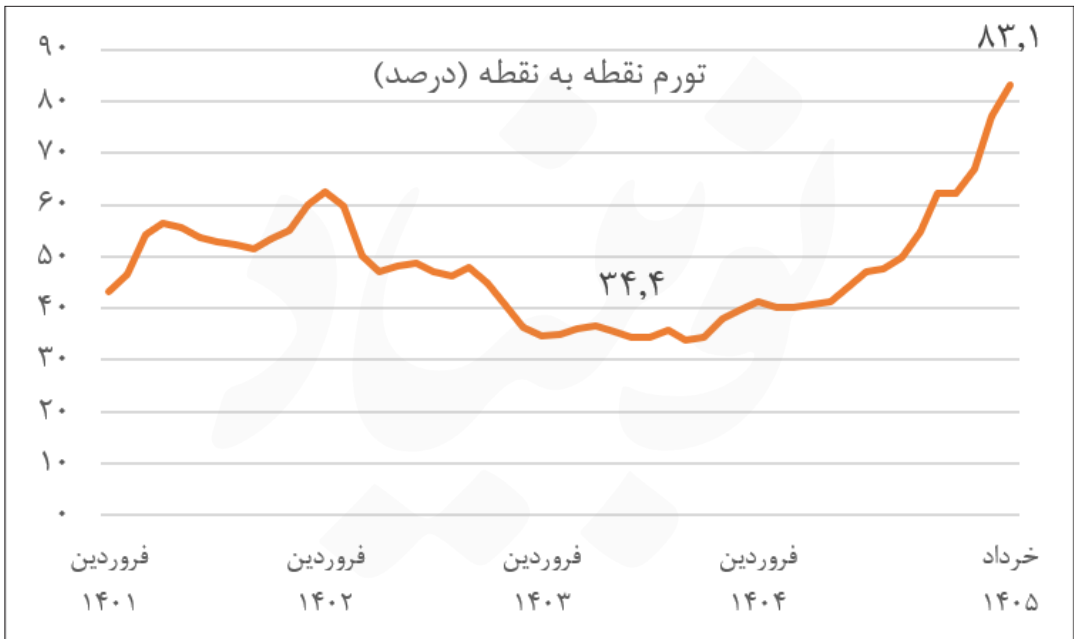
اقتصادی، نسبت اشتغال و افزایش جمعیت غیرفعال، این پرسش را مطرح می کند که آیا افت نرخ بیکاری حاصل رونق بازار کار است یا نتیجه کوچک تر شدن آن؟

افزایش یافته است. نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می دهد که در سال گذشته ۱۵ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده اند. این در حالی است که تغییرات سالانه نرخ بیکاری این گروه نشان می دهد این نرخ نسبت به سال ۱۴۰۳ به میزان ۰۰۳ واحد درصد افزایش یافته است. براساس داده های مرکز آمار، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان از ۱۱۰۳ درصد در سال ۱۴۰۳ به ۱۰۰۴ درصد در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته است. همچنین سهم فارغ التحصیلان دانشگاهی از کل بیکاران کشور از ۴۲۰۲ درصد به ۳۹ درصد رسیده است؛ اتفاقی که می تواند نشانه بهبود نسبی وضعیت جذب نیروی متخصص باشد. با این حال، این آمار هنوز فاصله زیادی با شرایط مطلوب دارد. اینکه نزدیک به ۴ نفر از هر ۱۰ بیکار کشور دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، نشان می دهد اقتصاد ایران هنوز توانسته متناسب با توسعه آموزش عالی، فرصت های شغلی تخصصی ایجاد کند.

براساس گزارش مرکز آمار، سهم اشتغال ناقص در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل اندکی افزایش یافته است. این موضوع بیانگر آن است که بخشی از شاغلان کشور، اگرچه در آمار رسمی «شاغل» محسوب می شوند، اما درآمد و ساعات کاری آنها پاسخگوی نیازهای معیشتی نیست. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان تأکید می کنند که برای ارزیابی وضعیت بازار کار نباید تنها به نرخ بیکاری استناد کرد. کیفیت اشتغال، میزان درآمد، امنیت شغلی، بیمه، پایداری قراردادهای کاری و بهره وری نیروی کار نیز به همان اندازه اهمیت دارند.

زنان، بزرگ ترین بازندگان بازار کار

بررسی آمارهای تفکیک شده بر حسب جنسیت نشان می دهد زنان بیشترین آسیب را از تحولات بازار کار در سال گذشته دیده اند. براساس گزارش مرکز آمار، نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۱۴۰۱ درصد در سال ۱۴۰۳ به



نبض اقتصاد

۳ دلیل مخالفت با واردات نهاده از آمریکا

مدیرعامل اسبق شرکت پشتیبانی امور دام کشور می‌گوید: همه محصولات که آمریکا می‌خواهد به ایران بفروشد، تراریخته است. تراریخته همان دستکاری ژنتیکی است که برخی کارشناسان آن را عامل سرطان، نازایی، نارسایی کبدی و موارد دیگر می‌دانند.

صدور واکسین و واردات از آمریکا را عاملی برای از دست رفتن بازارهای سنتی و قدیمی ایران می‌داند. از سوی دیگر، مسیر طولانی واردات از آمریکا هزینه حمل و نقل و قیمت‌های داخلی را افزایش می‌دهد. جی دی ونس، معاون ترامپ، پس از تفاهم اولیه ایران و آمریکا گفته بود: اگر پول‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود، به جای آن ذرت، جو و دیگر نهاده‌های آمریکایی به ایران می‌فروشیم تا هم نیاز ایرانی‌ها تأمین شود و هم کشاورزان آمریکایی پولدار شوند. ونس در این سخنرانی، در جمله «اگر پول‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود»، سه بار واژه «اگر» را تکرار کرد. آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده ذرت در جهان است که آن را به روش تراریخته (دستکاری ژنتیکی) تولید می‌کند. در این میان، جلال لطفی، کارشناس ارشد بازرگانی، راهکاری ارائه می‌دهد: واردات از برزیل و روسیه. - که از بزرگ‌ترین و ارزان‌ترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی هستند. - و نیز از کشورهای عضو بریکس و شانگهای که ایران نیز عضو آن‌هاست.

۶۶ درصد ظرفیت سدهای کشور پُر شد

جدیدترین آمار وزارت نیرو نشان می‌دهد با توجه به بارندگی‌های مناسب بهاری، میزان ورودی آب به مخازن سدهای کشور در سال آبی جاری (از ابتدای مهر ۱۴۰۴) تا اول تابستان، نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته ۸۰ درصد افزایش داشته است. در سال جاری میزان کل ورودی آب به سدهای کشور ۴۳ میلیارد و ۹۶۰ میلیون مترمکعب است. میزان خروجی آب از سدهای کشور از ابتدای سال آبی جاری تا پایان خرداد ۲۸ میلیارد و ۳۴۰ میلیون مترمکعب بوده که این رقم نسبت به متوسط ۱۰ ساله، ۲۹.۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. حجم آب موجود در مخازن سدهای کشور در حال حاضر ۳۴ میلیارد و ۳۶۰ میلیون مترمکعب است که نسبت به سال گذشته ۳۵ درصد افزایش دارد و نسبت به میانگین ۱۰ ساله نیز ۱۰ درصد رشد نشان می‌دهد. سدهایی که هنوز وضعیت قرمز دارند شامل سد طرق و دوستی در استان خراسان رضوی هستند که به ترتیب با ۵۶ میلیون مترمکعب و ۳ میلیون مترمکعب آب، میزان پرشدگی آن‌ها به ترتیب ۵ درصد و ۱۰ درصد است و نسبت به میانگین ۱۰ ساله به ترتیب ۸۶ درصد کاهش و ۷۷ درصد افت نشان می‌دهد. همچنین سد بازو در خراسان شمالی با ۵ میلیون مترمکعب آب، ۵ درصد پرشدگی دارد و نسبت به سال گذشته ۷ درصد کاهش و نسبت به میانگین ۱۰ ساله ۷۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.

خدمات؛ بزرگ‌ترین جذب‌کننده نیروی کار

بیش از نیمی از شاغلان کشور در بخش خدمات فعالیت می‌کنند و این بخش همچنان موتور اصلی اشتغال ایران محسوب می‌شود. در مقابل، سهم صنعت و کشاورزی تغییر محسوسی نداشته است. اگرچه توسعه بخش خدمات بخشی از روند طبیعی تحول اقتصادی است، اما در اقتصاد ایران بخش قابل توجهی از مشاغل خدماتی در واحدهای کوچک، خرده‌فروشی، حمل‌ونقل، خدمات شخصی و فعالیت‌های کم‌بهره‌ر ایجاد می‌شود؛ مشاغلی که معمولاً درآمد پایین‌تر، امنیت شغلی کمتر و آسیب‌پذیری بیشتری در برابر رکود اقتصادی دارند. در مقابل، رشد اشتغال صنعتی معمولاً به افزایش بهره‌وری، رشد صادرات، توسعه فناوری و افزایش درآمد خانوارها منجر می‌شود. از این منظر، ثابت ماندن یا کاهش سهم صنعت در اشتغال، یکی از دغدغه‌های مهم بازار کار ایران به شمار می‌رود.



دارای بیشترین تورم ماهانه قرار دارند. گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نیز با ثبت تورم ماهانه ۸.۷ درصدی، نشانی از پایان دوره تورمی ناشی از سیاست ارزی جدید ندارد. نکته نگران‌کننده دیگر، صعودی شدن تورم در بخش مسکن است. گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد که بخش مسکن در خرداد امسال تورم ۴.۷ درصدی را تجربه کرده که بالاترین رقم در یک سال اخیر است. این رقم در حالی ثبت شده که تورم ماهانه بخش مسکن در پنج ماه پایانی سال گذشته و فروردین امسال تنها حدود ۱.۵ درصد بوده است. این یعنی فشار تورمی در بخش مسکن در خرداد امسال به حدود سه برابر افزایش یافته است.

ناگهی به تاریخچه تورم ثبت‌شده در سایت بانک مرکزی نشان می‌دهد که تورم سالانه ۵۷.۷ درصدی خرداد امسال، بالاترین رقم در ۸۲ سال اخیر به شمار می‌رود. این یعنی تورم در حال نزدیک شدن به ارقام دوره جنگ جهانی دوم است. آخرین باری که تورم در اقتصاد ایران ارقام کنونی یا بالاتر از آن را تجربه کرد، سال ۱۳۲۲، یعنی در بحبوحه جنگ جهانی دوم، بود. در آن سال، نرخ تورم به ۱۱۰.۵ درصد رسید؛ رکوردی که هیچ‌گاه تکرار نشد. رکوردشکنی‌های دولت پزشک‌یان در ثبت بدترین آمارها در شاخص‌های مختلف، از قبیل رشد اقتصادی، تورم و دیگر شاخص‌ها، در حالی ثبت می‌شود که او در سال ۱۴۰۳، در شرایطی که شاخص‌های اقتصادی در وضعیتی به مراتب بهتر از اکنون قرار داشتند، دولت سیزدهم را بابت شرایط اقتصادی مورد انتقاد قرار می‌داد. اکنون اما دیگر خبری از انتقاد نیست. در عوض، عمده صحبت‌های پزشک‌یان به «خواهش از نخبگان برای نجات کشور از شرایط کنونی» و «حمله به رسانه‌ها به دلیل انتشار آمارهای اقتصادی» خلاصه می‌شود.

حذف نیمی از سرمایه انسانی کشور ممکن نیست؛ بنابراین برخورداری از توانمندی زنان، با تأکید بر اشتغال متناسب با درصد فارغ‌التحصیلان زن و نرخ بالای بیکاری آنان، و تلاش برای افزایش مهارت‌های آن‌ها از اولویت‌های دولت من است.

بالاترین نرخ تورم سالانه در ۸۲ سال اخیر

روز گذشته، پس از انتشار گزارش نرخ بیکاری، بانک مرکزی نیز جزئیات تورم خردماه را منتشر کرد. این گزارش نشان می‌دهد که در خرداد امسال، تورم ماهانه ۷.۴ درصد، تورم نقطه به نقطه ۸۳.۱ درصد و تورم سالانه ۵۷.۷ درصد بوده است. بر اساس داده‌های این گزارش، کالاها همچنان موتور اصلی تورم در اقتصاد ایران هستند؛ به طوری که تورم نقطه به نقطه کالاها در خرداد امسال به ۱۲۱.۹ درصد و تورم سالانه آن‌ها به ۷۹.۴ درصد افزایش یافته است. هرچند همچنان منبع اصلی تورم در شرایط کنونی، کالاها هستند، اما تورم بخش خدمات هم در حال اوج‌گیری است. طبق گزارش بانک مرکزی، در حالی که تورم ماهانه خدمات در پنج ماه پایانی سال گذشته کمتر از ۲ درصد بود، در سه ماه نخست سال جاری به بیش از ۵ درصد افزایش یافته است؛ وضعیتی که جهش سه‌برابری را نشان می‌دهد. این وضعیت بدان معناست که در حالی که تورم کالاها همچنان بالا مانده و نشانی از فروکش کردن ندارد، موتور تورمی بخش خدمات هم روشن شده است. بررسی جزئیات تورم گروه‌های مختلف کالاها و خدمات نشان می‌دهد که در خرداد امسال، بالاترین تورم ماهانه مربوط به «اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه» با ۱۰ درصد بوده است. همچنین «کالاها و خدمات متفرقه» و «پوشاک و کفش» به ترتیب ۹.۶ و ۹.۵ درصد، در رده‌های بعدی گروه‌های

۱۳.۴ درصد در سال ۱۴۰۴ کاهش یافته است؛ به بیان دیگر، سهم زنان حاضر در بازار کار باز هم کوچک‌تر شده است. هم‌زمان، جمعیت غیرفعال زنان بیش از ۶۰۵ هزار نفر افزایش یافته و به حدود ۲۸.۷ میلیون نفر رسیده است؛ رقمی که نشان می‌دهد بخش بزرگی از زنان در سن کار نه‌شاغل هستند و نه حتی در جست‌وجوی شغل. از سوی دیگر، تعداد زنان شاغل بیش از ۱۹۴ هزار نفر کاهش یافته و نسبت اشتغال زنان نیز از ۱۲.۱ درصد به ۱۱.۴ درصد تنزل کرده است.

در مقابل، نرخ بیکاری زنان از ۱۴.۳ درصد به ۱۵ درصد افزایش یافته و بیکاری زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ سال نیز با جهشی قابل توجه از ۳۰.۴ درصد به ۳۳.۲ درصد رسیده است. همچنین نرخ بیکاری زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز از ۲۴.۹ درصد به ۲۶ درصد افزایش یافته است. مجموع این ارقام نشان می‌دهد کاهش نرخ بیکاری کل کشور نه‌تنها به بهبود وضعیت زنان منجر نشده، بلکه بازار کار زنان در سال ۱۴۰۴ کوچک‌تر شده است.

خروج گسترده زنان از بازار کار، کاهش تعداد شاغلان زن و افزایش بیکاری در میان زنان، به‌ویژه جوانان، از مهم‌ترین نشانه‌های این روند است؛ روندی که می‌تواند در سال‌های آینده پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد.

بدتر شدن وضعیت زنان در تمامی شاخص‌های بازار کار در دولتی رخ داده است که از قضا در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ ادعاهای بسیاری در حوزه زنان مطرح می‌کرد. مسعود پزشک‌یان در بیانیه‌ای که چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳ برای زنان و دختران ایران صادر کرد، نوشت: تلاش می‌کنم تا در کنار برنامه‌هایی برای رفع هرگونه تبعیض از ایرانیان، اعم از زن و مرد، عدالت جنسیتی را که یکی از اصول بنیادین در تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار کشور است، در تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایرانیان محقق سازم. وی در این بیانیه همچنین اعلام کرد: زنان امروز، به‌ویژه در شرایطی که فقرزانه‌تر شده است، خواهان استقلال مالی بیشتر هستند. من با حمایت از اشکال متنوع کارآفرینی زنان، توسعه فضای کسب‌وکار استارت‌آپی زنان، ایجاد زمینه ارتقای مهارت‌های شغلی و دیجیتال و تسهیل دسترسی برابر به منابع مالی، از استقلال اقتصادی و شکوفایی توانمندی‌های زنان حمایت خواهم کرد. اجرای برنامه اقدام و عمل برای زنان سرپرست خانوار و توسعه صنایع و مشاغل خانگی، زنان سرپرست خانوار و زنان روستایی و عشایر را مورد توجه ویژه قرار خواهم داد. پزشک‌یان در این بیانیه افزود: براین باورم که توسعه همه‌جانبه با

شاخص‌های بازار کار در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۴ (ارقام به درصد)		
شاخص	۱۴۰۲	۱۴۰۴
نرخ بیکاری	۷.۶	۷.۵
نرخ مشارکت	۴۱	۴۰.۶
نسبت اشتغال	۳۷.۹	۳۷.۵
بیکاری جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال)	۲۰.۱	۲۰.۳
نرخ بیکاری زنان	۱۴.۳	۱۵
نرخ مشارکت زنان	۱۴.۱	۱۳.۴
نسبت اشتغال زنان	۱۲.۱	۱۱.۴
نرخ بیکاری زنان جوان	۳۰.۴	۳۳.۲

یادداشت

پروژه اسرائیل برای بلعیدن جغرافیای منطقه

علیرضا خوشبخت
روزنامه‌نگار

رژیم صهیونیستی برای تثبیت جایگاه خود، نه فقط به دنبال برتری نظامی، بلکه به دنبال تغییر ساختار قدرت در منطقه بوده است. ساختاری که در آن هیچ کشور بزرگ، مستقل و اثرگذاری نتواند به عنوان یک مانع راهبردی در برابر تل‌آویو ظاهر شود. این پروژه تنها به تضعیف قدرت‌های نظامی محدود نیست، بلکه مسئله جغرافیا، عمق سرزمینی و شکل‌دهی دوباره به نقشه سیاسی منطقه نیز در آن اهمیت دارد.

نگاهی به رفتار چند دهه اخیر رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که تل‌آویو همواره با کشورهای که ظرفیت تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای داشته‌اند، وارد تنش شده است. از مصر و سوریه تا عراق، ایران و در سال‌های اخیر ترکیه، هر کشوری که بتواند در معادلات منطقه‌ای نقش مستقلی ایفا کند، به عنوان یک چالش بالقوه دیده می‌شود. البته که جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و بزرگ‌ترین مانع رژیم صهیونیستی برای پیاده‌سازی طرح اسرائیل بزرگ قلمداد می‌شود.

اظهارات اخیر بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در همین چارچوب قابل بررسی است. او تأکید کرده که این اظهارات باید جدی گرفته شود و تل‌آویو آن را به آمریکا اطلاع خواهد داد. این ادبیات، بار دیگر نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی تلاش دارد فضای امنیتی منطقه را بر محور «تهدید دائمی» تعریف کند. رویکردی که در عمل زمینه را برای اقدامات نظامی و سیاسی گسترده‌تر فراهم می‌کند.

در سوی دیگر، مقام‌های ترکیه نیز طی سال‌های اخیر بارها نسبت به رویکردهای توسعه طلبانه صهیونیسم هشدار داده‌اند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، تأکید کرده است که مبارزه با صهیونیسم را مرتبط با امنیت و آینده ملت‌ها می‌داند. همچنین ها‌کان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، پیش‌تر هشدار داده بود که اگر روند تقابل منطقه‌ای به سمت حذف رقبا پیش برود، کشورهای دیگر نیز ممکن است هدف قرار گیرند.

تنش میان آنکارا و تل‌آویو در موضوعات مختلف، از غزه و سوریه گرفته تا مدیترانه شرقی و قفقاز، نشان می‌دهد که اختلاف صرفاً بر سر یک پرونده خاص نیست بلکه به رقابت بر سر آینده نظم منطقه‌ای بازمی‌گردد. اقدام اخیر کابینه رژیم صهیونیستی درباره به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنی عثمانی نیز از نگاه بسیاری از ناظران، در چارچوب فشار سیاسی بر ترکیه قابل تحلیل است. اقدامی که آنکارا آن را سیاسی و در راستای پوشاندن اقدامات اسرائیل در غزه توصیف کرده است.

براساس این تحلیل، هدف راهبردی رژیم صهیونیستی ایجاد منطقه‌ای است که در آن قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای یا بحران داخلی درگیر باشند، یا توان اثرگذاری مستقل خود را از دست بدهند. خاورمیانه‌ای که در آن کشورها کوچک‌تر، پراکنده‌تر و وابسته‌تر باشند، برای تل‌آویو مطلوب‌تر از منطقه‌ای است که چند قدرت مستقل با ظرفیت ایجاد موازنه وجود داشته باشد. به همین دلیل، مسئله فلسطین را نمی‌توان جدا از معادله بزرگ ترژئوپلیتیک منطقه دید. نبرد اصلی فقط بر سر یک سرزمین نیست بلکه بر سر شکل آینده غرب آسیا و اینکه چه بازیگرانی حق تعیین معادلات آن را داشته باشند، جریان دارد.



محسن پورنادر

روزنامه‌نگار

آیا توافق اخیر اسرائیل با دولت لبنان منجر به خلع سلاح حزب الله خواهد شد؟

مجموعه غرب، به صورت خاص آمریکا، از زمانی که نواف سلام در بهمن ۱۴۰۳ روی کار آمد، این طمع را داشت که لبنان را وارد گفت‌وگو و جاذبه با رژیم صهیونیستی کند. با این افاق که بیروت نیز مانند برخی پایتخت‌های عربی وارد توافق ابراهیم شود، اما توانسته این کار را انجام دهد.

در لبنان هیچ موضوع نظامی و امنیتی انجام نمی‌شود، مگر اینکه مورد توافق جریان‌های شیعه، مسیحی و سنی باشد و اگر هم اقدامی انجام شود، به نتیجه نهایی نخواهد رسید.

حزب الله صورت خاص و طبق یک عرف و قانون نانوشته، حق و تو در پیشبرد امور نظامی و امنیتی دارد. دولت لبنان، چه در دوره کابینه نواف سلام و چه در دوره جوزف عون، به خوبی می‌داند که قدرت مسلط امنیتی و نظامی، با وجود ضربات زیادی که به حزب الله وارد شده، همچنان حزب الله است و این جریان، حزب برتر و گروه مسلط در لبنان محسوب می‌شود.

من این موضوع را به صراحت و روشنی بیان می‌کنم؛ اگر ماه را در دست راست حزب الله خورشید را در دست چپ حزب الله قرار دهند تا خود را خلع سلاح کند، یا بخواهند آن را خلع سلاح کنند، موفق نخواهند شد.

سلاح حزب الله صرفاً برای دفاع از خود نیست. حزب الله برخلاف بسیاری از گروه‌ها، احزاب و جریان‌های لبنانی که سلاح را صرفاً برای خود و حفاظت از منافع خود می‌خواهند، بر اساس تجربه چند دهه گذشته و به طور خاص تجربه سال ۲۰۲۰ به این سو ثابت کرده است که در اختلافات داخلی خود دست به سلاح نمی‌برد.

در تابستان ۱۴۰۲، در جریان کشمکش مرزی میان کابینه نجیب میقاتی و رژیم صهیونیستی و اختلاف بر سر چاه‌ها و میادین گازی دریای مدیترانه، حزب الله ثابت کرد که سلاح آن

در بخش دوم از گفت‌وگوی نوبنیاد با الله کرم مشتاقی، آخرین وضعیت لبنان مورد بررسی قرار گرفت

حزب الله؛ همچنان قدرت اول لبنان

در بخش دوم از مصاحبه با الله کرم مشتاقی، کارشناس منطقه خاورمیانه به توافق اخیر دولت لبنان با رژیم صهیونیستی و همچنین به وضعیت حزب الله و وضعیت شیعیان این کشور پرداختیم. در شماره دوروز قبل روزنامه نوبنیاد (ششم تیرماه) نگاه اشتباه مسئولان کشورمان به مساله لبنان مورد کالبدشکافی قرار گرفته بود.

حدود ۱۵ کیلومتر مربع از خاک لبنان در اختیار و اشغال صهیونیست‌ها بود. حزب الله همین میزان اشغال را نیز نمی‌پذیرفت؛ چه رسد به اینکه اکنون ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک لبنان در اشغال قرار دارد. رژیم صهیونیستی طبق این توافق بنا دارد تا خط حائل که حدود ۲۵۰ کیلومتر مربع است عقب‌نشینی کند و این موضوع را به دولت لبنان واگذار کند؛ اما از آن ۲۵۰ کیلومتر مربع، هرگز به صورت کامل عقب‌نشینی نخواهد کرد.

حزب الله از همین اکنون این موضوع را می‌داند و خود را برای نبرد با صهیونیست‌ها به منظور آزادی تمامی بخش‌های اشغالی آماده کرده است.

وضعیت کنونی حزب الله و شیعیان لبنان به چه صورت است و آیا آت‌پور که برخی رسانه‌های صهیونیستی خواستار بازنمایی چندصدایی در میان شیعیان لبنان هستند درست است؟

جریان شیعه لبنان از سال ۱۹۹۰ به این سو، برخلاف بسیاری از احزاب و جریان‌های موجود در لبنان، اتفاقاً در زمان‌های بحران منسجم‌تر و متحدتر می‌شود.

در شرایط کنونی، جریان شیعه کاملاً متحد است؛ کاملاً یک صدا و یکپارچه، در حوزه‌های میدانی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی در حال حرکت است و همگام و همراه با حزب الله پیش می‌رود.

به نوعی می‌توان گفت اکنون بنیه بری را صدای دیپلماتیک حزب الله می‌داند. تهدیدهایی نیز علیه ایشان از سوی صهیونیست‌ها مطرح شده و زمزمه‌هایی مبنی بر تهدید و لزوم حذف ایشان شنیده می‌شود. حزب الله هیچ برنامه‌ای برای درگیری با دولت و ارتش ندارد. دولت و ارتش نیز به خوبی می‌دانند که اگر وارد درگیری با حزب الله شوند و کار به مرحله بحرانی برسد، حزب الله با وجود ضرباتی که متحمل شده است، همچنان توانایی دارد دولت را به طور کامل ساقط کند.

در میدان نبرد، حزب الله تاکتیک‌های جدید و سلاح‌های جدید، در حال وارد کردن ضربه به دشمن است. البته در چند روز گذشته شاهد درگیری خاصی نبوده‌ایم، اما حزب الله حوزه ساماندهی اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای عملکرد بسیار مناسبی دارد.

حزب الله همچنان کارت‌های سیاسی و نظامی استفاده نشده بسیاری را در اختیار دارد.

حزب الله ساماندهی داخلی خود بسیار پویا و انعطاف‌پذیر است. منظور از انعطاف در اینجا، پویایی و توانایی تطبیق با شرایط است؛ به گونه‌ای که دشمن نمی‌تواند گام بعدی حزب الله را پیش بینی کند.

بنابراین تصور اینکه حزب الله مانند حماس شود یا همانند نظام بشار اسد در سوریه دچار تغییر شود، کاملاً مردود است.

می‌تواند در جهت منافع دولت به کار گرفته شود و اگر سلاح حزب الله بود، اسرائیل حاضر به اعطای حقوق لبنانی‌ها نمی‌شد.

همچنین در جنگ با تکفیری‌ها، زمانی که نیروهای تکفیری از سوریه وارد لبنان شدند، جریان شیعی اولین گروه مورد تهدید نبود بلکه مسیحیان نیز در معرض تهدید قرار گرفتند. با این حال حزب الله با سلاح خود وارد درگیری شد.

بیش از یک سال و نیم است که آمریکایی‌ها تلاش دارند لبنان و رژیم صهیونیستی از طریق گفت‌وگوهای مستقیم، به حل و فصل مسائل و مشکلات میان خود بپردازند. این موضوع از سوی طرف لبنانی، حتی از سوی دولت نواف سلام، در ابتدا با مخالفت مواجه شد و هیچ استقبالی از سوی احزاب و گروه‌ها، حتی احزابی که در برخی موارد با حزب الله جریان مقاومت زاویه داشتند، صورت نگرفت.

آمریکا برای حل این موضوع پذیرفت که گفت‌وگوها به شکل سه جانبه و با میانجیگری واشنگتن انجام شود. تاکنون پنج دور مذاکره انجام شده و در دور آخر پذیرفتند که رژیم صهیونیستی به صورت کاملاً به گام از مناطق اشغالی عقب‌نشینی کند و با هر گامی که عقب‌نشینی صورت می‌گیرد، ارتش لبنان آن مناطق را تحت مدیریت خود قرار دهد و سلاح‌زدایی از مناطقی که رژیم صهیونیستی از آن‌ها عقب‌نشینی می‌کند، انجام شود.

مخالفت حزب الله این موضوع به این دلیل است که معتقد است رژیم صهیونیستی در حال وقت‌کشی است. در غیر این صورت، حزب الله بنابر نسبت به استقرار ارتش در جنوب رودخانه لیتانی هیچ حساسیتی ندارد.

حزب الله نسبت به اینکه سلاح خود را در قالب یک گفت‌وگو امنیتی ملی و در چارچوب یک ساختار امنیتی و دفاعی لبنانی با دولت به اشتراک بگذارد و درباره ترتیبات مدیریت این سلاح‌ها گفت‌وگو شود، هیچ حساسیتی ندارد؛ همان‌گونه که حماس نیز چنین حساسیتی ندارد و مقاومت عراق نیز چنین موضعی دارد.

اما حزب الله درستی و براساس تجربه تاریخی معتقد است که صهیونیست‌ها در حال دادن آب‌نبات چوبی به طرف مقابل هستند و در مقابل، امتیازات اساسی را از آن‌ها می‌گیرند.

برنامه حزب الله برای بخش‌های اشغال شده توسط رژیم صهیونیستی چیست؟

پیش از عملیات طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی حدود ۱۵ کیلومتر مربع از خاک لبنان را در اشغال داشت. اکنون، جدا از مزارع شبعا که موضوعی جداگانه دارد،

یادداشت

هزینه جنگ هنوز برای غرب «گران» نشده است

امیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

در معادلات راهبردی، دشمن زمانی از تهدید و تجاوز دست می‌کشد که هزینه ادامه مسیر را غیرقابل تحمل ببیند؛ مرور تحولات یک ماه گذشته نیز دقیقاً همین واقعیت را آشکار می‌کند. با وجود شکست اهداف اعلامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در تقابل با ایران، لحن تهدیدآمیز واشنگتن و تل‌آویو علیه تهران نه تنها کاهش نیافته، بلکه همچنان ادامه دارد. همزمان، اوکراین نیز با پشتیبانی اطلاعاتی و تسلیحاتی ناتو، حملات سنگینی را علیه پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های نفت و گاز روسیه دنبال می‌کند؛ حملاتی که بنا بر گزارش‌های متعدد، در مقطعی بر تأمین سوخت در برخی مناطق روسیه نیز تأثیر گذاشته است. این همزمانی یک پیام روشن دارد؛ دشمنان ایران و روسیه همچنان تصور می‌کنند هزینه اقداماتشان قابل مدیریت است.

ریچارد مدهرست، روزنامه‌نگار بریتانیایی، در تحلیلی قابل تأمل می‌گوید: «برای من واضح است که ایران هزینه جنگ را برای ایالات متحده و اسرائیل به اندازه کافی بالا نبرده است. روسیه نیز هزینه جنگ را برای ناتو و اوکراین به اندازه کافی بالا نبرده است. اگر چنین کرده بودند، آن‌ها عقب‌نشینی می‌کردند و می‌رفتند. اما چنین اتفاقی نیفتاده است. موضوع به همین سادگی است.»

این گزاره، فارغ از گوینده آن، با منطق بازدارندگی نیز همخوانی دارد. تاریخ نشان داده است که قدرت‌های غربی زمانی عقب‌نشینی می‌کنند که هزینه ماندن از هزینه رفتن بیشتر شود. مادامی که واشنگتن و متحدانش بتوانند جنگ را از هزاران کیلومتر دورتر مدیریت کنند و هزینه اصلی را دیگران بپردازند، انگیزه‌ای برای پایان دادن به بحران نخواهند داشت.

در این میان، روسیه نیز باید یک واقعیت را با دقت بیشتری در محاسبات خود لحاظ کند.

جمهوری اسلامی ایران (به عنوان دوست روسیه در ادبیات پوتین) به تنهایی در برابر قدرت نظامی عظیم آمریکا، قدرت اطلاعاتی و هوایی رژیم صهیونیستی و شبکه گسترده حمایت‌های مالی و سیاسی غرب و برخی دولت‌های عربی مقاومت و نبردی قهرمانانه کرده است. اما در جبهه مقابل، اوکراین هرگز به تنهایی نمی‌جنگد؛ میلیاردها دلار تسلیحات پیشرفته، اطلاعات ماهواره‌ای، پشتیبانی اطلاعاتی، آموزش نظامی و منابع مالی از سوی آمریکا، اروپا، رژیم اسرائیل و دیگر متحدان غربی در اختیار کی‌یف قرار می‌گیرد. بنابراین، اگر مسکو بخواهد تنها در میدان اوکراین به تبادل ضربات ادامه دهد، عملاً در زمینی بازی می‌کند که طراحی آن در واشنگتن و دیگر پایتخت‌های حامی کی‌یف انجام شده است. آدرس اصلی بحران، صرفاً کی‌یف نیست؛ بلکه مراکز است که ماشین جنگی اوکراین را تغذیه، تجهیز و هدایت می‌کنند.

در معادلات قدرت، طرفی که هزینه‌ای نمی‌پردازد، انگیزه‌ای برای توقف جنگ ندارد. تا زمانی که حامیان اصلی اوکراین و طراحان فشار علیه ایران، خود را از تبعات مستقیم اقداماتشان مصون ببینند، نه از ادبیات تهدید دست خواهند کشید و نه از ادامه حمایت‌های نظامی. قاعده بازدارندگی تغییر نکرده است؛ بازدارندگی واقعی، محصول افزایش هزینه برای متجاوز است.

جنگ بر سر
«حاکمیت
گلوگاه قدرت»

اگرچه آمریکا مذاکرات را با عناوینی همچون امنیت کشتیرانی و کاهش تنش پیش می‌برد، اما شواهد نشان می‌دهد هدف اصلی، محدود کردن یکی از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارندگی ایران است. تثبیت کریدور عمانی و کاستن از نقش مدیریتی ایران در تنگه هرمز، همان امتیازی است که واشنگتن نتوانست در میدان نبرد به دست آورد و اکنون در میز مذاکره دنبال می‌کند. در این میان نکته عجیب آن است که پس از هر دور مذاکره، اشتباهی آمریکا برای امتیازات بیشتر زیادت‌تر می‌شود.

راهبردی که نباید در مذاکره نادیده گرفته شود؛ عبور آزادانه و عادی کشتی‌ها باید از کریدور ایرانی باشد

زنگ خطر در تنگه هرمز

نشست احتمالی دوحه، برخلاف ظاهر دیپلماتیک آن، بیش از هر چیز میدان تقابل بر سر تنگه هرمز است. مجموعه اظهارات مقامات آمریکایی و گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد واشنگتن در تلاش است آنچه را طی جنگ ۴۰ روزه و مقاومت نیروهای مسلح



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

پذیرش تعهدات ناشی از کنوانسیون است؟ از سوی دیگر، تجربه چند دور اخیر گفت‌وگوها نشان داده است که پس از هر مرحله از سفرها و مذاکرات مذاکره کنندگان ایرانی، طرف مقابل مواضع مطالبه‌گرانه تری اتخاذ کرده است و شروع حمل و نقل از کریدور عمانی تنگه هرمز با حمایت آمریکا درست پس از سفر قالیباف به مسقط و موضع عجیب وزیر خارجه عمان نیز درست پس از نشست غریب‌آبادی با مقامات عمانی اتفاق افتاد.

تلاش آمریکا برای برگشت ناپذیری
تعهدات ایران در هرمز

بررسی روند درگیری‌ها و مذاکرات پس از تقاهم خرداد ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که آمریکا همزمان با بهره‌گیری از دیپلماسی، پروژه‌ای موازی را دنبال می‌کند؛ پروژه‌ای که هدف آن خلع سلاح تدریجی ایران از مهم‌ترین اهرم‌های قدرت بازدارنده خود چه در طی زمان مذاکرات و چه با واسطه مذاکرات است. در صدر این ابزارها، حاکمیت و کنترل ایران بر تنگه هرمز قرار دارد؛ امتیازی که پس از جنگ ۴۰ روزه و مقاومت نیروهای مسلح ایران، بار دیگر پس از قرن‌ها تثبیت شد و دست برتر را از غربی‌ها گرفت. از همین رو، طبیعی است که آمریکا امروز تلاش کند آنچه را در میدان نبرد نتوانست به دست آورد، پشت میز مذاکره و یا با استفاده از غفلت ما در طی زمان مذاکرات جبران کند.

واقعیت آن است که پس از جنگ تحمیلی سوم، دو کابوس بزرگ همواره مقابل ترامپ و دیگر تصمیم‌گیران آمریکا قرار داشته است؛ نخست، امکان کنترل یا مسدودسازی تنگه هرمز از سوی ایران و دوم، وجود ۴۴۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی که هرگونه محاسبه برای افزایش اقدامات جنایت جنگی، نشل کشی یا

آنگونه که آکسیوس به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی گزارش داده، تهران و واشنگتن بر سر توقف حملات متقابل به تقاهم رسیده‌اند و قرار است امروز در دوحه درباره اختلافات خود پیرامون تنگه هرمز گفت‌وگو کنند. همزمان، کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید نیز اعلام کرده است که استیو ویتکاف و جرد کوشنر در نشست دوحه با نمایندگان ایران دیدار خواهند کرد. همین دو خبر به تنهایی نشان می‌دهد که پرونده اصلی مذاکرات دیگر صرفاً موضوعات هسته‌ای نیست؛ بلکه تنگه هرمز به قانون اصلی کشاکش راهبردی دو طرف تبدیل شده است.

در این میان سفر کاظم غریب‌آبادی به مسقط و برگزاری نخستین نشست کمیته مشترک هرمز، در نگاه نخست گامی در جهت تبیین سازوکار مدیریت آینده این گذرگاه راهبردی به نظری رسید. اما تنها ساعاتی بعد، اظهارات تند وزیر خارجه عمان درباره مخالفت با هرگونه تعرفه بر عبور کشتی‌ها و توافق ایران و عمان برای پایبندی به کنوانسیون حقوق دریاهای پیرسش‌های تازه‌ای را درباره مسیر این مذاکرات و همچنین عملکرد تیم مذاکره کننده ایرانی ایجاد کرد.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های حقوقی آن است که اشاره به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای چه نسبتی با ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارد. این کنوانسیون تاکنون به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده. از همین رو، این انتظار وجود دارد که وزارت امور خارجه به طور شفاف توضیح دهد با چه اجازه و اختیاری پایبندی ایران به این کنوانسیون مورد توافق قرار گرفته و آیا چنین اظهاراتی به معنای

دود از کنده بلند می‌شود

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

بازگشت علیرضا داوودنژاد به سینما پس از نه سال دوری، آن هم با فیلمی با نام «زوجه دیجیتال»، نمی‌تواند یک خبر ساده باشد. این حضور به واسطه استفاده از هوش مصنوعی رقم می‌خورد تا نشان دهد داوودنژاد با وجود ورود به دهه هشتم زندگی اش، همچنان جزو جوان ترین سینماگران ماست.

او مانند بسیاری از فیلمسازان که در دهه سوم و چهارم زندگی خود به سر می‌برند، هیچ ترسی از به کار بردن تکنولوژی های روز دنیا در آثارش ندارد و گاه حتی از آن ها هم در این زمینه جلوتر است. اما فاکتوری که داوودنژاد و امثال وی را نسبت به دیگران متمایز می‌کند، تنها شیوه فیلمسازی متفاوت و گاه متضاد او نیست.

داوودنژاد متفاوت است، چون اصول دارد و زیست خود را بر مبنای خوشامد این و آن تغییر نمی‌دهد. کارگردان «خانه عنکبوت» از همان روزهای پیروزی انقلاب یک انقلابی بود و تفسیر قائم به ذات و خودبنیاد خویش را از این واقعه عظیم داشت؛ به طوری که هیچ گاه از مسیرش منحرف نشد و اولین کسی بود که جلوتر از همه هم صنفانش، شهادت رهبر انقلاب و حمله تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل به خاک عزتمند ایران و اسلام را به شدت محکوم کرد. از سویی دیگر، غیبت نه ساله او نیز نباید به حساب انفعال گذاشته شود.

این وقفه نشان دهنده وسواس هنری و پرهیز از حضور در آثاری است که با استانداردهای او همخوانی ندارد. بازگشت او در شرایطی که سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری تشنه آثار باکیفیت و کارگردانان صاحب سبک است، غنیمتی بزرگ است. «زوجه دیجیتال» فرصتی است تا ثابت کنیم سینمای ایران هنوز هم برای فیلمسازان باتجربه ای که دغدغه روایت درست دارند، جابرای درخشش دارد و مخاطب نیز قدردان این بازگشت باشکوه خواهد بود.

داستان فیلم در یکی از قدیمی ترین محله های تهران رخ می‌دهد که تعمیرکار الکترونیکی منزوی و نابغه ای ناگهان با زنی مرموز روبه رو می‌شود که حضورش همه چیز را در زندگی او دگرگون می‌کند. هم زمان که رابطه ای غیرمنتظره میان آن دو شکل می‌گیرد، مرز میان عشق، فناوری و واقعیت آرام آرام از بین می‌رود. هرچه هوش بیشتری می‌کوشد راز تعمیرکار را کشف کند، او به معمایی بزرگ تر تبدیل می‌شود.

آیا اکران فیلم های خارجی می‌تواند به سینمای ورشکسته ایران کمک کند؟

بیم ها و امیدهای اکران فیلم خارجی

خارجی «احضار ۴»، «زوتوپیا ۲» و «تاروت» از ابتدای امسال بیش از ۱۰۰ هزار نفر مخاطب داشته‌اند؛ رقمی که از تماشاگران چند فیلم ایرانی روی پرده نیز بیشتر است.

آمارهای تازه از اکران فیلم های خارجی در سینمای ایران نشان می‌دهد که استقبال مخاطبان از آثار روز جهانی، حتی در تعداد محدودی سالن، قابل توجه است. طبق داده های منتشرشده، سه فیلم



علی نقدی
روزنامه‌نگار

سینما را پیدا کند و در میان مدت تبدیل به مخاطب سینمای ایران شود.

با این حال، مخالفان اکران خارجی نگرانی های جدی مطرح می‌کنند. مهم ترین نگرانی به رقابت نابرابر میان فیلم های داخلی و محصولات پر هزینه هالیوودی یا انیمیشن های استودیوهای بزرگ مربوط می‌شود. در بازاری که تعداد سالن ها محدود است، حضور فیلم های خارجی می‌تواند عملاً بخشی از ظرفیت اکران را از تولیدات داخلی بگیرد. برخی تهیه کنندگان و کارگردانان می‌گویند اگر چنین روندی گسترش پیدا کند، فیلم های متوسط یا مستقل ایرانی که همین حالا هم برای گرفتن سانس با مشکل روبه‌رو هستند، بیش از پیش از چرخه اکران حذف خواهند شد.

نکته دیگری که در نقد این سیاست مطرح می‌شود، مسئله اقتصاد تولید است. در شرایط فعلی، بخش عمده درآمد اکران خارجی به سینما داران می‌رسد و سهم مستقیمی به چرخه تولید سینمای ایران بازمی‌گردد. به همین دلیل برخی فعالان سینمایی معتقدند اگر قرار است فیلم خارجی روی پرده بیاید، باید سازوکاری تعریف شود که بخشی از درآمد آن صرف حمایت از تولید داخلی شود؛ در غیر این صورت این مدل ممکن است تنها به بهبود وضعیت سالن ها کمک کند، نه به تقویت صنعت سینما.

از سوی دیگر خلا سیاستگذاری و نبود یک چارچوب مشخص برای تعداد، زمان و شیوه اکران فیلم های خارجی می‌تواند به بی ثباتی بازار منجر شود. اگر قرار است چنین فیلم هایی در ایران اکران شوند، باید سهم و جایگاه آنها در کنار تولیدات داخلی به طور دقیق تعریف شود تا هم رقابت نابرابر ایجاد نشود و هم بازار اکران دچار آشفته گی نشود.

به نظر می‌رسد مسئله اصلی اکران فیلم خارجی، اصل آن نیست. این «چگونگی» اکران خارجی است که محل بحث است و در غیاب سیاستگذاری روشن، می‌تواند آسیب های جدی به سینمای نیمه جان ایران بزند.

کامل مطالعه و بررسی شد. از این میان، ۴۳ طرح به فاز دوم راه یافتند و پیش بینی می‌شود تا پایان هفته، حدود ۱۰ طرح برتر نهایی انتخاب شوند. وی با تأکید بر حساسیت موضوع فاجعه میناب و لزوم پرهیز از شتابزدگی و احساسات آنی در روایت آن، افزود: ارزیابی ها کاملاً تخصصی و بر اساس شاخص های مشترک فارابی و قانون انجام شده است.

فرآیند داور شامل مطالعه فردی و سپس جلسات جمعی برای بررسی ظرفیت های دراماتیک آثار بود. قاسم زاده اصل نکته مهم دیگر را رعایت عدالت در داورى دانست و گفت: تمام طرح ها بدون نام و صرفاً با کد در اختیار داوران قرار گرفتند تا شهرت یا سابقه نویسندگان تأثیری بر قضاوت نداشته باشد و معیار اصلی، کیفیت ایده و ظرفیت روایی متن باشد. هدف نهایی، دستیابی به روایت های دقیق، انسانی و ماندگار از این واقعه دردناک خواهد بود.



حجت قاسم زاده اصل، رئیس قانون فیلمنامه نویسان درباره همکاری این قانون با بنیاد فارابی در ارزیابی طرح های مسابقه «مدرسه ای که می رفتم» (با موضوع فاجعه میناب) توضیح داد: در فاز نخست، ۴۲۳ طرح ارسالی طی یک ماه توسط تیم پنج نفره داوران به طور

فارابی و قانون پای کار میناب



■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کد پستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قزنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

سه شنبه ۹ تیر ۱۴۰۵ سال اول شماره ۷۵

یادداشت

سینمای معلق، مخاطب سرگردان

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

سینمای ایران در ۱۰۰ روز نخست سال، بیش از آنکه قربانی شرایط بیرونی باشد، از فقدان تصمیم گیری رنج برد. کاهش چشمگیر مخاطبان رانمی توان صرفاً به وضعیت خاص ماه های اخیر نسبت داد؛ چرا که مدیریت فرهنگی در همین بزنگاه ها معنا پیدا می‌کند. اکنون سال ۱۴۰۵ است و سینمای ایران، به جای آنکه با شناخت اقتضائات جدید، الگوی تازه ای برای اکران و جذب مخاطب ارائه کند، در وضعیتی میان تعلیق و انفعال متوقف مانده است. گویی مدیران سینمایی ترجیح داده اند زمان، مسئله را حل کند؛ حال آنکه زمان، خود به بزرگ ترین رقیب سینما تبدیل شده است. واقعیت آن است که سالن سینما با فیلم زنده است، نه با انتظار. وقتی در طول بیش از سه ماه تنها چند فیلم محدود روی پرده می‌رود و بخش مهمی از آثار آساده نمایش پشت درهای بسته باقی می‌مانند، طبیعی است که مخاطب نیز مسیر دیگری برای سرگرمی انتخاب کند. در چنین وضعیتی، نمایش فوتبال، بازاکران فیلم های قدیمی یا حتی پلتفرم های خانگی، سهم بیشتری از اوقات فراغت مردم را به خود اختصاص می‌دهند و سینما از سبد فرهنگی خانواده حذف می‌شود.

مسئله اصلی، گرفتار شدن مدیریت سینمایی در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» است. نه تصمیمی برای رونق اکران گرفته می‌شود و نه توضیح روشنی درباره چرایی این رکود ارائه می‌شود. این بلاتکلیفی، زنجیره تولید تا مصرف را دچار اختلال کرده است؛ تهیه کننده امیدی به بازگشت سرمایه ندارد، سینما دار با سالن های نیمه خالی دست و پنجه نرم می‌کند و مخاطب نیز احساس می‌کند سینما دیگر اولویتی برای سیاست گذاران فرهنگی نیست.

بی شک شرایط کشور در ماه های اخیر با دوره های عادی تفاوت داشته است، اما هنر مدیریت دقیقاً در چنین موقعیت هایی سنجیده می‌شود. اگر قرار باشد هریحران به توقف چرخه اکران بینجامد، سینمای ایران نه تنها مخاطب امروز، بلکه سرمایه اجتماعی فردای خود را نیز از دست خواهد داد. آنچه امروز بیش از هر چیز به چشم می‌آید، کمبود فیلم نیست؛ کمبود اراده برای اداره سینما در شرایط متفاوت است. و این، بحرانی است که اگر ادامه پیدا کند، آمارهای نگران کننده امروز، به وضعیت عادی فردای سینمای ایران تبدیل خواهند شد.